



کار را از مباحث آسان یعنی اقتصاد و چشم انداز مورد انتظار مصرف کنندگان، مشاغل و دولت ها آغاز می کنیم.

تشخیص قوی بودن اقتصاد مصرف کننده کار دشواری نیست!
در چنین شرایطی مصرف کنندگان شاد هستند، احساس امنیت می کنند و پول خود را خرج می کنند. شرکت ها با کمال میل این پول را می گیرند و می گویند، "خوبه، در حال کسب درآمد هستیم! فوق العاده است! حالا ... با این همه پول چه کنیم؟"

شرکت هایی که پول دارند، پول خرج می کنند. و همه اینها درآمد سالم مالیاتی برای دولت ایجاد می کند.

آنها هم جوگیر شده و به این ترتیب شروع به خرج کردن پول می کنند. حال همه در حال خرج کردن هستند و این می تواند بر اقتصاد تأثیر مثبتی بگذارد.

از طرف دیگر، اقتصاد های ضعیف معمولاً مصرف کنندگانی دارند که هزینه نمی کنند، مشاغلی دارند که هیچ درآمدی نداشته و در نتیجه هزینه نمی کنند، بنابراین دولت تنها کسی است که همچنان هزینه می کند. متوجه منظور ما شدید.

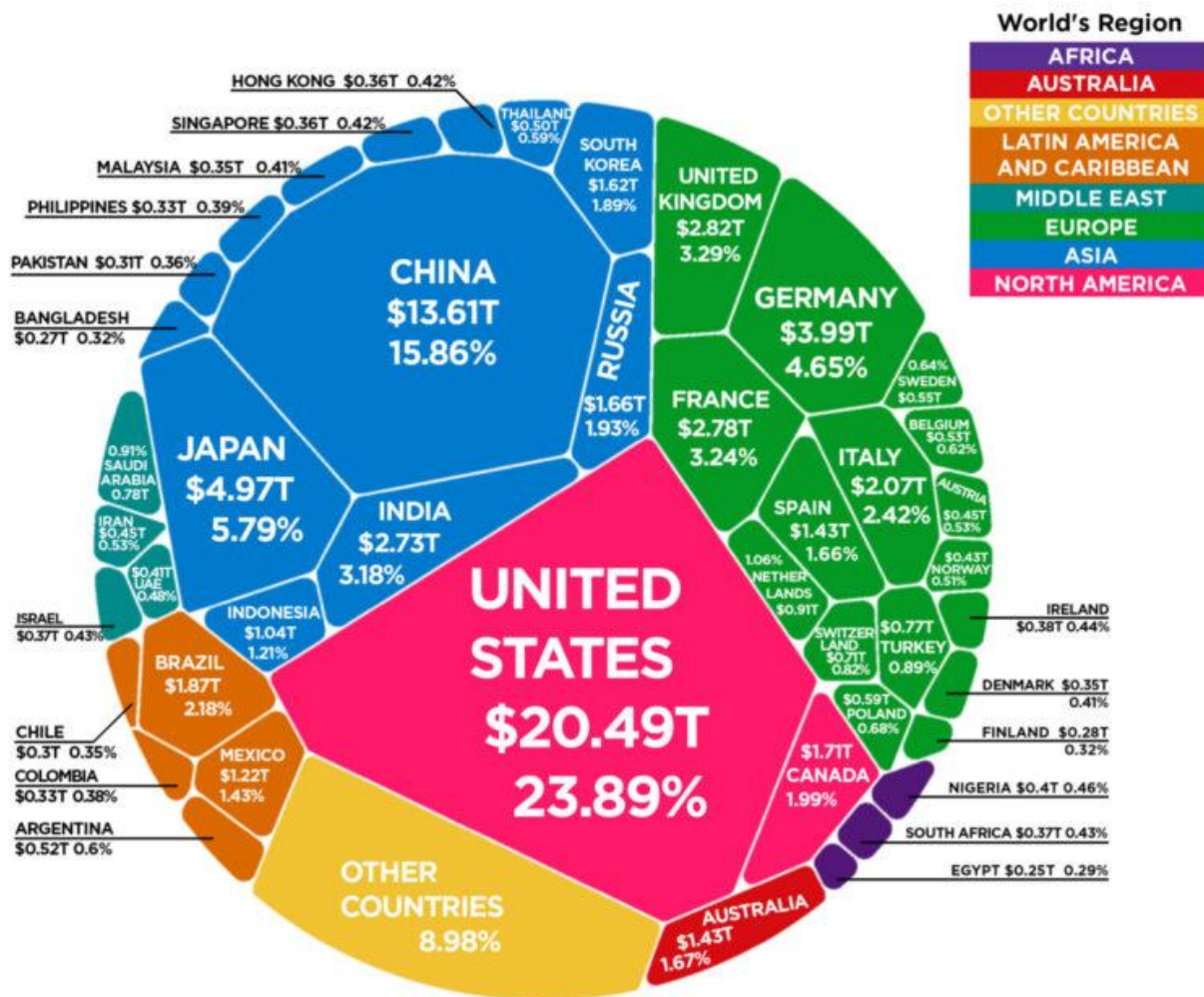
هم چشم اندازهای مثبت و هم چشم اندازهای منفی اقتصادی می توانند تأثیر مستقیمی بر بازارهای ارز داشته باشند.

متداول ترین معیار سنجش رشد اقتصادی، تولید ناخالص ملی است.

GDP به معنای "تولید ناخالص ملی" است و بیانگر مجموع ارزش پولی کلیه خدمات و کالاهای تولید شده نهایی (و فروخته شده) در داخل یک کشور طی یک بازه زمانی (معمولاً یک سال) است.

تولید ناخالص ملی یک عکس فوری از اقتصاد یک کشور را در اختیار ما می گذارد، که از آن برای تخمین اندازه اقتصاد و نرخ رشد اقتصاد استفاده می شود.

در تصویر زیر از سایت [HowMuch.net](https://www.HowMuch.net) اقتصاد جهانی 86 تریلیون دلاری با یک نمودار نشان داده شده است:



Article & Sources:

<https://howmuch.net/articles/the-world-economy-2018>
<https://databank.worldbank.org>

howmuch.net

همانطور که می بینید:

- امریکا همچنان بزرگترین اقتصاد جهان است.
- چین دومین اقتصاد بزرگ جهان است.
- سهم امریکا و چین با هم تقریباً 40٪ از تولید ناخالص ملی کل اقتصاد جهان است.
- 15 اقتصاد برتر 75٪ از کل تولید ناخالص ملی جهان را در دست دارند.

جریان سرمایه

جهانی سازی، پیشرفت علم و فن آوری و اینترنت همگی در تسهیل فرایند سرمایه گذاری پول شما در هر نقطه از جهان، سهم داشته اند. دیگر مهم نیست خانه شما کجا باشد.

فقط چند کلیک (یا برای افرادی که در عهد ژوراسیک سال های 2000 زندگی می کنند یک تماس تلفنی) فاصله دارید تا پول خود را در بورس اوراق بهادار نیویورک یا لندن سرمایه گذاری کرده و یا در Nikkei یا Hang Seng معامله کنید و یا با باز کردن یک حساب معاملاتی فارکس اقدام به معامله دلار آمریکا، یورو، ین و حتی جفت ارزهای فرعی کنید.

جریان سرمایه، میزان پولی که به دلیل خرید و فروش سرمایه گذاری ثابت به اقتصاد یک کشور وارد می شود و از آن خارج می شود، را اندازه گیری می کنند.



نکته مهم که همیشه باید به آن توجه کنید تراز جریان سرمایه است که می تواند مثبت یا منفی باشد.

وقتی کشوری دارای تراز جریان سرمایه مثبت است، سرمایه گذاری های خارجی که وارد کشور می شود بیشتر از سرمایه گذاری هایی است که از کشور خارج می شود.

تراز جریان سرمایه منفی دقیقا برعکس است. سرمایه گذاری های خروجی از کشور به مقصد کشور خارجی، بیشتر از سرمایه گذاری های ورودی است.

با ورود سرمایه گذاری بیشتر به یک کشور، تقاضا برای ارز آن کشور افزایش می یابد زیرا سرمایه گذاران خارجی برای خرید ارز محلی ناچارند ارز خود را بفروشند.

این تقاضا باعث افزایش ارزش ارز آن کشور می شود.

یک عرضه و تقاضای ساده است.

و همانطور که حدس می زنید، اگر میزان عرضه برای یک ارز زیاد باشد (یا تقاضا ضعیف باشد)، ارز معمولا ارزش خود را از دست می دهد.

وقتی سرمایه گذاری های خارجی عقب گرد می کنند و سرمایه گذاران داخلی نیز می خواهند جابجا شده و جای فعلی را ترک کنند، در این حالت ارز محلی در بازار وفور خواهد شد چراکه همه در حال فروش ارز خود و خرید ارز یک کشور خارجی یا ارز اقتصادی هستند که در آن می خواهند سرمایه گذاری کنند.

سرمایه خارجی هیچ چیزی را بیش از کشوری با نرخ بهره بالا و رشد اقتصادی قوی دوست ندارد. اگر کشوری دارای بازار های مالی داخلی رو به رشد نیز باشد، که دیگر فبها!

بازار سهام صعودی و پر رونق، نرخ بهره بالا ... چرا نباید دوست داشت؟! در این حالت سرمایه گذاری خارجی از در و دیوار می ریزد.

و مجدد، هرچه تقاضا برای ارز محلی افزایش می یابد، ارزش آن نیز افزایش می یابد.

جریان تجاری و تراز تجاری

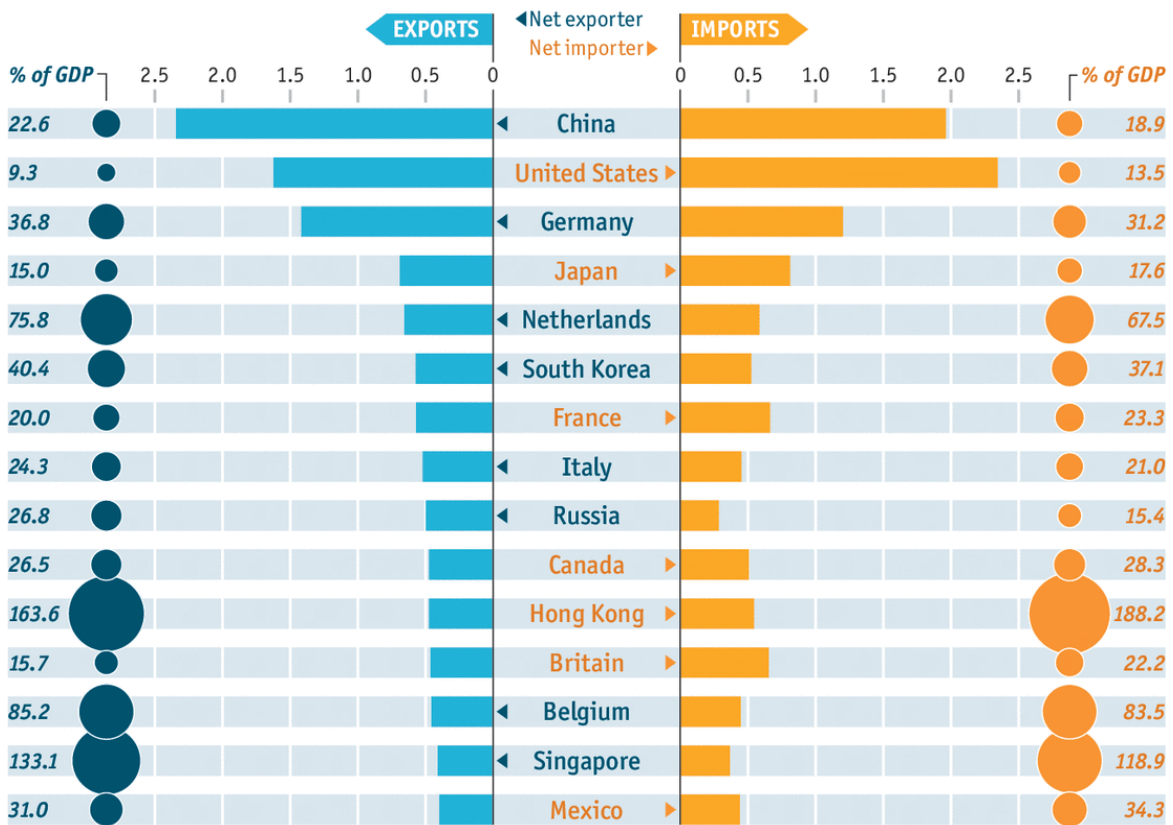
تجارت بین الملل را علنا می توان در بین تجارت کالا (اجناس) و خدمات تشخیص داد. عمده تجارت بین الملل مربوط به کالاهای فیزیکی است، در حالی که سهم خدمات بسیار کمتر است.

تجارت جهانی کالا طی دهه گذشته به طرز چشمگیری افزایش یافته است و از حدود 10 تریلیون دلار در سال 2005 به بیش از 18.89 تریلیون دلار در سال 2019 رسیده است.

ما در یک بازارچه جهانی زندگی می کنیم. کشورها کالاهای خود را به کشورهایی که آن کالاها را می خواهند می فروشند (صادرات)، و همزمان کالاهایی که می خواهند را از سایر کشورها خریداری می کنند (واردات).

Trade flows

Largest global exporters, 2014, \$trn

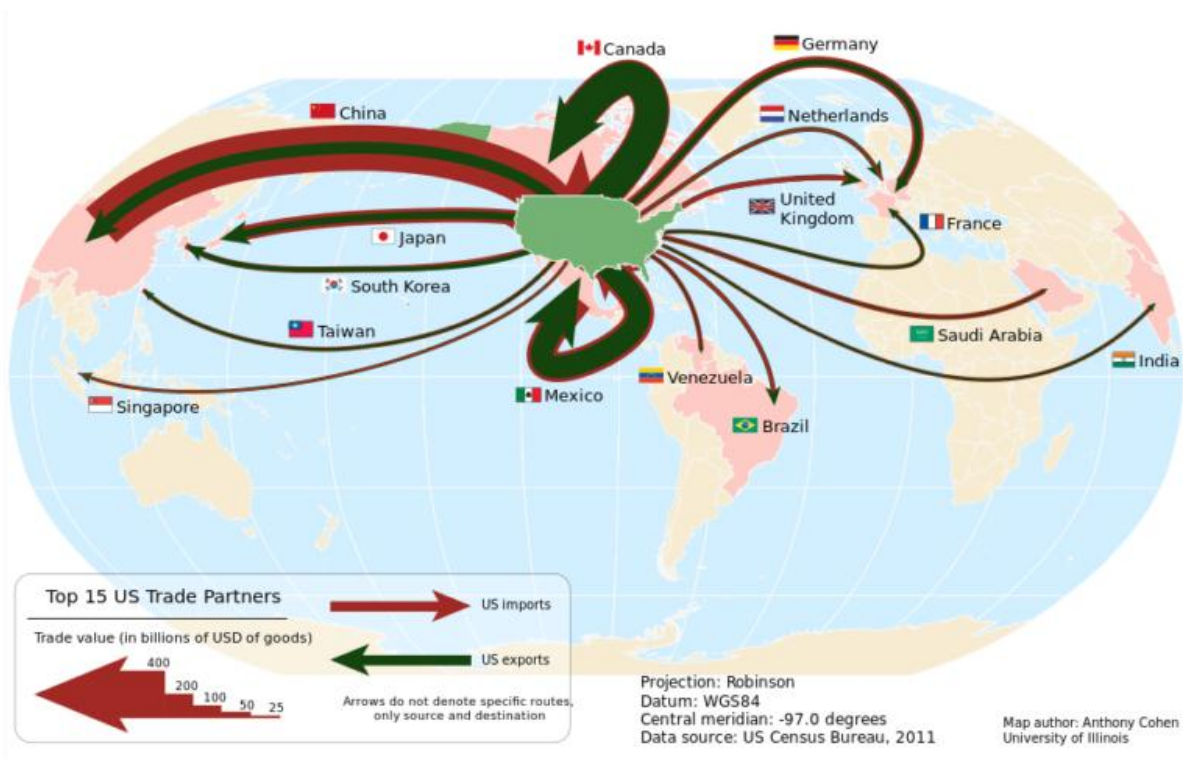


Source: IMF

Economist.com

نگاهی به اطراف خانه خود بیندازید. بیشتر وسایل (وسایل الکترونیکی، لوازم خانگی، اسباب بازی ها) که در اطراف شما وجود دارد احتمالاً در خارج از کشوری که در آن زندگی می کنید ساخته شده اند.

اگر در امریکا زندگی می کنید، به کشورهای مختلفی که امریکا با آنها تجارت می کند نگاه کنید.



هر بار که چیزی خریداری می کنید، باید مقداری از پول حاصل از دسترنج خود را فدا کنید.

از هرکسی ماسماسک خود را خریداری می کنید او نیز باید همان کار را انجام دهد.

واردکنندگان آمریکایی هنگام خرید کالا از صادرکنندگان چینی با آنها پول مبادله می کنند. و وارد کنندگان چینی هنگام خرید کالا از صادرکنندگان اروپایی با آنها پول مبادله می کنند.

همه این خرید و فروش ها با مبادله پول همراه است که به نوبه خود سبب تغییر جریانات ارزی به داخل و خارج کشور می شود.

تراز تجاری (یا ترازنامه تجاری یا خالص صادرات) نسبت صادرات به واردات را برای هر اقتصاد می سنجد.

تراز تجاری تقاضا برای کالاها و خدمات آن کشور و در نهایت تقاضا برای ارز آن را نشان می دهد.

اگر صادرات بیشتر از واردات باشد، مازاد تجاری وجود داشته و تراز تجاری مثبت است.

اگر واردات بیشتر از صادرات باشد، کسری تجاری وجود داشته و تراز تجاری منفی است.

بنابراین:

صادرات < واردات = مازاد تجاری = تراز تجاری مثبت (+)

واردات < صادرات = کسری تجاری = تراز تجاری منفی (-)

در کسری تجاری دورنما به گونه ای است که احتمال کاهش قیمت ارز در مقایسه با ارزهای دیگر وجود دارد.

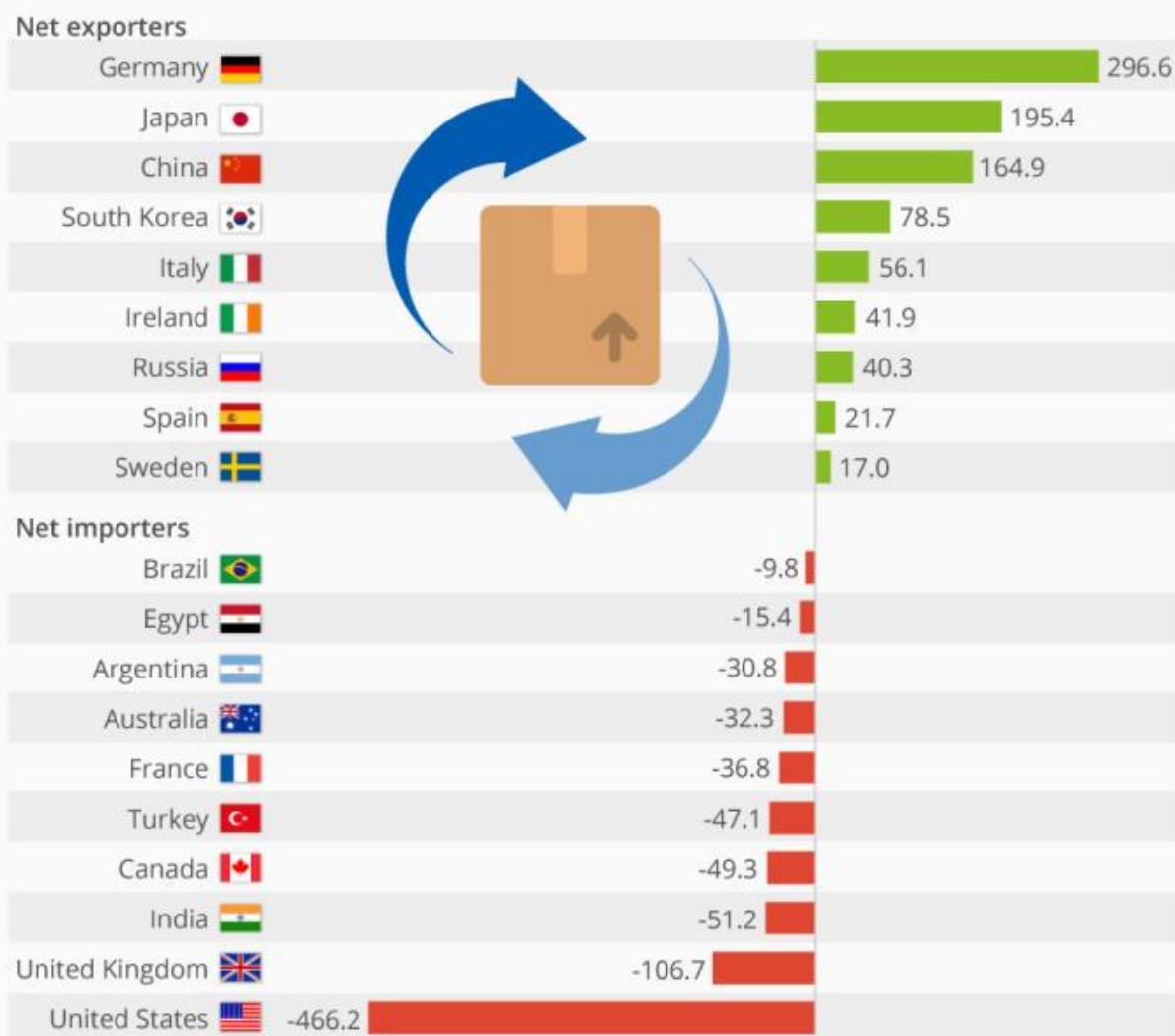
واردکنندگان خالص ابتدا باید ارز خود را بفروشند تا بتوانند ارز بازرگان خارجی که کالای مورد نظر آنها را می فروشد، خریداری کنند.

وقتی کسری تجاری وجود دارد، ارز محلی برای خرید کالاهای خارجی فروخته می شود.

به همین دلیل، ارز کشوری که دارای کسری تجاری است در مقایسه با ارز کشوری که مازاد تجاری دارد، تقاضای کمتری دارد.

Which Countries Are Net Exporters & Importers?

Selected countries by positive/negative current account balance* (in billion U.S. dollars)



CC BY ND
@StatistaCharts

* net trade in goods and services (exports minus imports), plus net earnings, and net transfer payments to and from the rest of the world

Source: CIA World Factbook

statista

صادرکنندگان خالص، یعنی کشورهایی که بیش از واردات خود، صادرات دارند، بیشتر شاهد خرید ارز خود توسط کشورهای علاقه مند به خرید کالاهای صادراتی آنها هستند.

در کشورهای دارای مازاد تجاری معمولاً پدیده بالا رفتن ارزش پول وجود دارد.

تقاضای بیشتر سبب می شود که ارزش ارز آنها بالا رود.

همه اینها به دلیل تقاضا برای ارز آن کشور است.

به همین دلیل وقتی صادرکنندگان، ارزهای خارجی خود را که در خارج از کشور گرفته اند به پول داخلی خود تبدیل می کنند، سبب فشار مضاعف روی تقاضای ارز داخلی می شود.

ارزهای با تقاضای بالاتر معمولا بیشتر از ارزهایی که تقاضای کمتری دارند، ارزش گذاری می شوند.

دقیقا شبیه ستاره های سینما است. از آنجا که تقاضا برای اسکارلت جوهانسون بیشتر است، او دستمزد بیشتری نسبت به دایان لین دریافت می کند.

دولت: حال و آینده

پس از بحران بزرگ مالی (GFC) که باعث رکود بزرگ در اواخر سال های 2000 شد، چشم ها خیره به دولت های کشورهای متبوع خود می نگرستند، که چگونه از پس مشکلات مالی پیش آمده بیرون خواهند آمد و امیدوار بودند که آنها مسئولیت مالی را پذیرفته تا به خجالت جیب های ما پایان دهند.



یک دهه بعد، ما اکنون با وضعیتی مشابه روبرو هستیم که جهان سعی در کنترل و مهار بحران جهانی بهداشت و سقوط اقتصادی ناشی از همه گیری ویروس کرونا دارد.

بی ثباتی در دولت ها یا تغییر در مدیریت ها می تواند ارتباط مستقیمی با اقتصاد آن کشور و حتی کشورهای همسایه داشته باشد. و هرگونه تأثیر بر اقتصاد به احتمال زیاد بر نرخ ارز تأثیر خواهد گذاشت.